



نشریه‌ی

انجمن علمی دانشجویی زبان روسی

دانشگاه تربیت مدرس

شماره‌ی هفتم - شهریور ۱۴۰۱



دانشگاه تربیت مدرس

معاونت دانشجویی
و فرهنگی - اجتماعی

نوسعه‌ی فرهنگی

روسیه

صفحه‌ی ۷

«بانوی خونین»:

سرگذشت داریا سالتیکوا

صفحه‌ی ۳

داستان

«شبح آماتور»



صفحه‌ی ۲۰

گزارش:

«کارگاه‌های آموزشی

تابستانی زبان روسی»

صفحه‌ی ۱۷



ژانرگون‌های زبان روسی

صفحه‌ی ۱۸

بازار کار زبان روسی:



فرصت‌ها و چالش‌ها

صفحه‌ی ۲۶



دانشگاه تربیت مدرس
معاونت دانشجویی
و فرهنگی - اجتماعی

صاحب امتیاز:

انجمن علمی دانشجویی زبان روسی
دانشگاه تربیت مدرس
(معاونت فرهنگی و اجتماعی)

مدیر مسئول و سردبیر:

محدثه چراغعلی

هیئت تحریریه:

حنانه سادات بدیعی خمسه فرد، دانشجوی دکتری ادبیات روسیه، دانشگاه دولتی ملی تحقیقاتی پرم
سارینا برخوردار، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس
فاطمه جعفری، دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس
سارا جمال پورمرغوب، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس
شیرین عینی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس
فرناز قزاتلو، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس
محمد لطیفی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس
محدثه لهراسبی، دانش آموخته مقطع کارشناسی رشته مهندسی برق الکترونیک از دانشگاه آزاد اسلامی تهران

هیئت داوران:

آقای دکتر محمدرضا محمدی
آقای دکتر آبتین گلکار



فهرست

- ۳ «بانوی خونین»: سرگذشت داریا سالتیکوا / ترجمه‌ی سارینا برخوردار
- ۷ توسعه‌ی فرهنگی روسیه / ترجمه‌ی محدثه لهراسبی
- ۹ اصطلاحات پایه‌ی حوزه‌ی آموزش زبان در زبان روسی و معادل آن‌ها به زبان فارسی: براساس زبان‌شناسی پیکره‌ای / فاطمه جعفری
- ۱۱ تحلیل روش‌های ترجمه‌ی عناصر فرهنگی در دوبله‌ی روسی سریال ایرانی «شهرزاد» / حنانه سادات بدیعی خمسه فرد
- ۱۵ بازگشت دانشجویان به کارگاه‌های آموزشی با کارگاه Finereader / شیرین عینی
- ۱۶ «کارگاه‌های آموزشی تابستانه‌ی زبان روسی» / سارا جمال پور مرغوب
- ۱۸ «بازار کار زبان روسی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها» / سارا جمال پور مرغوب
- ۱۹ پرسیان پرسان می‌روند هندوستان / فرناز قزاتلو
- ۲۰ «شبح آماتور» و «در دو قدمی مرگ» / ایلیا ایلف، یوگنی پتروف / ترجمه‌ی شیرین عینی
- ۲۶ ژارگون‌های زبان روسی / محمد لطیفی

مقالات

گزارش

ضرب المث

داستان

آموزشی

نشانی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده‌ی علوم انسانی، گروه زبان روسی
رایانامه: farus.tmu@gmail.com
تلفن تماس: ۸۲۸۸۳۶۶۵

این نشریه دارای مجوز شماره (۱۸۰۸ / د ۱۹۳) در تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۰۴ از معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس است.

بانوی خونین



ترجمه‌ی سارینا برخوردار، دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس

داریا، یک دولتمرد برجسته در دوران پتر کبیر بود و میراثی غنی برای فرزندانش به جا گذاشت. این دختر اشراف‌زاده در جوانی به زیبارویی معروف بود و همچنین به علت تقوای فوق‌العاده خود از دیگران متمایز بود. داریا با گلب آلکسیویچ سالتیکف، کاپیتان هنگ سواره‌نظام گارد سلطنتی، ازدواج کرد. آنها دو فرزند به نام‌های فئودور و نیکالای داشتند. خاندان سالتیکف حتی از خانواده داریا نیز نامدارتر بودند و زندگی زوج سالتیکف تفاوت‌چندانی با زندگی دیگر خانواده‌های اشراف

داریا نیکالایونا سالتیکوا (۱۷۳۰-۱۸۰۱)، ملقب به «سالتیچیخا»، یک اشراف‌زاده‌ی روس بود که بیشتر به‌عنوان قاتل زنجیره‌ای مبتلا به بیماری سادیسزم شناخته می‌شود. وی متهم به قتل بیش از صدها زن جوان در طول هفت سال بود و به خاطر شکنجه‌های وحشیانه و جنایات بی‌رحمانه‌اش با عنوان «بانوی خونین» شهرت دارد.

داریا در ۱۱ مارس سال ۱۷۳۰ در خانواده اشرافی نیکالای ایوانف استالباوی متولد شد. آفتانومی ایوانف، پدر بزرگ

گاهی مردان نیز هدف آزار و قتل قرار می‌گرفتند. معمولاً سالتیکو در خانه افراد را مورد ضرب و شتم وحشیانه قرار می‌داد، سپس قربانیان را به اصطبل می‌برد و تا سرحد مرگ به آنها شلاق می‌زد. اما قساوت قلب داریا به همین جا ختم نمی‌شد. هنگامی که تحقیقات دربارهٔ زنان کشته‌شده آغاز شد، محققان عملاً هیچ مویی روی سر مقتولان پیدا نکردند و مشخص شد سالتیکو با دستان خالی موهای آنها را کنده است.

با گذشت زمان، قتل‌های سالتیکو مبتکرانه‌تر می‌شد. او با کمک زیردستانش در سرما دختران را برهنه به ستون می‌بستند، به آنها گرسنگی می‌دادند و با آب جوش آنها را می‌سوزاندند. در یک مورد، همدستان سالتیکو، وقتی زنی را به قتل رساندند، تابوت او را همراه با جسدش در سرما به نمایش گذاشتند و نوزاد زندهٔ مقتول را روی جسد قرار دادند. کودک از سرما یخ زد و مُرد. یا مثلاً در زمستان زن دهقانی به نام پترونا را با چوب کتک زدند، به درون برکه‌ای انداختند و چند ساعت او را ایستاده تا گردن در آب ننگه داشتند تا اینکه زن نگون‌بخت جان باخت. یکی دیگر از سرگرمی‌های سالتیکو این بود که با اتوی داغ مخصوص فر کردن مو، گوش‌های قربانیان خود را بگیرد و آنها را سرتاسر خانه روی زمین بکشد. داریا به طور ویژه از کشتن دختران جوانی که در آینده نزدیک قصد ازدواج داشتند لذت می‌برد. سر آنها را به دیوار می‌کوبید و با شمع موهایشان را می‌سوزاند.



آن زمان نداشت.

اما با مرگ شوهر داریا سالتیکو همه چیز تغییر کرد. او در ۲۶ سالگی بیوه و صاحب ثروتی هنگفت شد. دارایی و املاک همسرش در استان‌های مسکو، ولادکا و کاستراما حالا متعلق به داریا بودند و او حدود ۱۲۰۰ رعیت در اختیار داشت. اما این‌ها تنها تغییرات زندگی داریا پس از مرگ همسرش نبود. شش ماه پس از این واقعه نشانه‌هایی از بیماری روانی سادیسم در رفتار داریا نمایان شد. مثلاً چون داریا از نحوهٔ شستن زمین یا لباس‌ها رضایت نداشت از دست خدمتکار عصبانی می‌شد و با کندهٔ چوب، که بعدها به ابزار تنبیه مورد علاقه‌اش تبدیل شد، او را تا سرحد مرگ کتک می‌زد. در ابتدا این اتفاق موجب نگرانی رعیت‌های سالتیکو نمی‌شد، چراکه چنین مواردی در همه‌ی خانه‌های اشرافی آن دوران معمول بود و اولین قتل یک خدمتکار به دست داریا موجب ترس وحشت باقی خدمه نشد. اما این جنایت بانوی خانه را بیشتر برانگیخت و از سال ۱۷۵۷ قتل‌ها به طور مستمر صورت می‌گرفت.

علاوه بر این، جنایات داریا کاملاً به شکل جنون‌آمیز و ظالمانه‌ای انجام می‌شدند و او به وضوح از این اتفاقات لذت می‌برد. قربانیان اصلی سالتیکو دختران خدمتکار او بودند، اما

هرچند ملکه تمایل چندانی به مجادله با اشراف بر سر رعیت‌ها نداشت، اما با این حال گستردگی و قساوت اعمال داریا سالتیکووا آنقدر دور از انتظار بود که کاترین دوم را به وحشت انداخت و او تصمیم به برپایی یک محاکمه عبرت‌آموز گرفت. تحقیقات دربارهٔ اعمال سالتیکووا بسیار سخت پیش می‌رفت و شش سال به طول انجامید. در نهایت داریا سالتیکووا بازداشت شد، اما در جلسات بازجویی به هیچ‌یک از گناهان خود اعتراف نکرد.

با این حال بررسی‌ها حاکی از آن بود که در سال‌های ۱۷۵۷ تا ۱۷۶۲ تعداد ۱۳۸ نفر از رعیت‌های داریا سالتیکووا در شرایط مشکوک به قتل رسیده بودند. به طور رسمی مرگ ۵۰ نفر از آنها به علت بیماری ثبت شده بود. ۷۲ نفر را مفقود اعلام کرده بودند و ۱۶ نفر هم همسرانشان را ترک کرده یا متواری شده بودند.

رعیت‌ها همواره سعی می‌کردند به مقامات شکایت کنند. ۲۱ شکایت علیه داریا سالتیکووا طی سال‌های ۱۷۵۷ تا ۱۷۶۲ ثبت شد. با این حال داریا به لطف رشوه و ارتباطاتش نه تنها از قبول مسئولیت اجتناب کرد بلکه تلاش کرد تا خود شاکیان به زندان با اعمال شاقه محکوم شوند. در سال ۱۷۶۲ آخرین قربانی داریا سالتیکووا دختر جوانی به نام فیگلا گراسیمووا بود. این دختر بینوا پس از شکنجه و کنده‌شدن موهایش زنده‌به‌گور شد. سرانجام در همین سال دو رعیت به نام‌های ساولی مارتینف و پرمالای ایلین موفق شدند شکایت‌نامه‌ای را به دست شخص کاترین دوم، که به تازگی بر تخت نشسته بود، برسانند. در غیر این صورت شاید وحشی‌گری‌های داریا سالتیکووا برای همیشه پنهان می‌ماند. این دو رعیت دیگر چیزی برای از دست دادن نداشتند. همسرانشان به دست سالتیکووا به قتل رسیده بودند.





پنجره‌ی کوچکی در معبد می‌بردند. سالتیگوا از آنجا می‌توانست صدای زنگ ناقوس را بشنود و مراسم عبارت را از دور تماشا کند.

پس از ۱۱ سال حبس شرایط زندان ساده‌تر شد. سالتیگوا را به ساختمان سنگی کلیسا منتقل کردند که میله و پنجره کوچکی داشت. بازدیدکنندگان صومعه نه تنها اجازه داشتند محکوم را تماشا کنند، بلکه می‌توانستند با او صحبت کنند. مردم طوری به او نگاه می‌کردند انگار یک حیوان وحشی عجیب است. داریا در مواجهه با مردم فحش و ناسزا می‌گفت و به طرف آن‌ها آب دهان پرت می‌کرد. سرانجام پس از ۳۰ سال حبس، در ۲۷ نوامبر ۱۸۰۱، داریا سالتیگوا، بانوی خونین، در سن ۷۱ سالگی در زندان مُرد.

زندگی‌نامه این قاتل زنجیره‌ای منبع الهام بسیاری از آثار ادبی و هنری در قالب داستان، رمان، فیلم، تئاتر و سریال تلویزیونی در روسیه قرار گرفته است. از میان آنها می‌توان به کتاب تاریخی «سالتیچیخا» اثر ایوان کاندرا تیف، تابلوی نقاشی «سالتیچیخا» اثر ولادیمیر پچلین و سریال «بانوی خونین» به کارگردانی ایگور آناشکین اشاره کرد.

پرونده سالتیگوا به مجلس سنایی فرستاده شد که قرار بود رای محکومیت او را صادر کند. با این حال سناتورها مجازات او را مشخص نکردند و این تصمیم را به کاترین دوم واگذار کردند. حکم داریا در دوم اکتبر سال ۱۷۶۸ تایید شد و ملکه آن را قاطعانه و بدون ملاحظه بیان کرد. کاترین دوم، داریا سالتیگوا را با عناوینی مانند «بیوه بی‌رحم»، «ناقص‌الخلقه نسل بشر»، «کافر مطلق خدا»، «زن ستم‌کار» و «جانی» نامید و تاکید کرد او ارزش این را ندارد که «زن» خوانده شود.

سالتیگوا به سلب عناوین اشرافی محکوم شد. همچنین به مدت یک ساعت جهت توهین و ناسزا در معرض عموم به چوبه دار بسته شد و بالای سرش پلاکاردی با عنوان «شکنجه‌گر و قاتل» آویزان بود. پس از آن تا پایان عمر در صومعه یحیی تعمیردهنده زندانی بود. روزها را باید در اتاقی به عمق دو متر زیرزمین می‌گذراند که هیچ نوری به آنجا وارد نمی‌شد و از ارتباط با مردم، به جز محافظ و راهبه نگهبان، محروم بود. این زندانی اجازه‌ی بیرون رفتن نداشت. تنها در تعطیلات بزرگ کلیسا او را نزدیک

توسعه‌ی فرهنگی روسیه

ترجمه‌ی محدثه لهراسبی، دانش‌آموخته‌ی کارشناسی رشته‌ی مهندسی برق الکترونیک دانشگاه آزاد اسلامی تهران

و استعداد‌های مردم جامعه در همه‌ی سطوح است. به طوری که با جدیت می‌توان گفت هر فرد در روسیه، صرف نظر از قوم، ملیت و گرایش فکری و مذهبی برای رسیدن به هدف واحد می‌تواند کارآمد و مفید باشد.

حال این سوال مطرح است که کشور روسیه برای رسیدن به این هدف واحد در حوزه‌ی داخلی و خارجی چه اقداماتی انجام داده است؟

در ابتدا می‌توان گفت حفظ میراث تاریخی روسیه، به تأکید همه‌ی مردم روسیه، به‌عنوان یک ارزش جهانی هویت و حیات معنوی مردم روسیه را تعیین می‌کند. این شامل انواع میراث مادی، مانند ساختمان‌ها و سازه‌های باارزش تاریخی و معماری که نمونه‌های بی‌نظیری در جهان هستند، مناظر تاریخی، طبیعی و باستانی است. میراث فرهنگی همچنین زبان‌ها، سنت‌ها، فولکلور، شیوه‌های سنتی زندگی، ادبیات عظیم روسی، موسیقی، تئاتر، سینما و... و همه‌ی آن چیزهایی را دربرمی‌گیرد که هویت مردم را از دوران قدیم تا به امروز ساخته است.

به این گونه است که روحیه‌ی غرور و اعتماد به نفس در مردم سرزمینی شکل می‌گیرد. در نتیجه آنها در جهت حفظ و بهتر ساختن آن تلاش می‌کنند و انگیزه‌های میهن‌پرستانه افزایش پیدا می‌کند.

طبق این سیاست برنامه‌ریزی شده کلمه‌ی «حفظ» تنها به معنای محافظت از تخریب و از دست دادن هر چیزی که در گذشته ایجاد و جمع‌آوری شده نیست، بلکه به معنای بازتکمیل دائمی است.

در حوزه‌ی خارجی اقدامات موثری در طی سال‌های اخیر اجرا شده‌است. بستر مناسبی برای معرفی سایت‌های میراث فرهنگی، مناطق تاریخی شهرها و سکونتگاه‌ها در شبکه‌های مجازی فراهم شده است، به گونه‌ای که صنایع دستی و غذاهای خاص روسیه به برند جهانی و شناخته‌شده تبدیل شده‌اند. حتی کوچک‌ترین شهرهای روسیه به قطب گردشگری در جهان تبدیل شده‌اند. به‌عنوان مثال، روستای اوبیمیاکن که در جمهوری یاکوتیای روسیه واقع شده است، یا شهر ولیکی اوستیوگ که وطن بابا نوتل اعلام شده است،

روسیه کشوری است که فرهنگ متفاوتی را در جهان ایجاد کرده‌است. در طول تاریخ روسیه، این فرهنگ بوده که وحدت مردم چندملیتی روسیه را تضمین و تا حد زیادی نفوذ روسیه را در جهان تثبیت کرده است.

امروزه در شرایط تشدید رقابت ایدئولوژیک و اطلاعاتی جهانی و پیامدهای فجایع ملی قرن که به طور کامل برطرف نشده، قطعاً نقش فرهنگی در آینده‌ی این کشور تعیین کننده است.

سیاست فرهنگی حاکم از فرهنگ به‌عنوان ابزاری برای انتقال مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی که اساس هویت ملی را تشکیل می‌دهد به نسل‌های جدید استفاده کرده است. بدیهی است که با آگاهی از فرهنگ خود و شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، هویت اخلاقی واحدی در زمینه‌ی احترام به تاریخ و سنت‌ها و پاسداری از ارزش‌های ملی و معنوی در افراد یک جامعه شکل گیرد و با مرور زمان استعدادها و توانایی‌های افراد در همین راستا شکوفا شود.

ماهیت فرهنگ روسیه، که وحدت مردم چندملیتی روسیه را براساس حفظ هویت فرهنگی و ملی همه‌ی مردمان کشور تضمین می‌کند، بازتاب هویت فرهنگی هر منطقه از کشور را ضروری می‌سازد. مردم برای تحرک زندگی فرهنگی در هر منطقه از روسیه و تعامل فرهنگی بین منطقه‌ای در تلاش هستند. این مهم‌ترین عامل در رشد کیفیت زندگی، کلید توسعه‌ی پویای نهادهای تشکیل‌دهنده‌ی فدراسیون روسیه و اساس وحدت نه تنها در حوزه‌ی فرهنگی، بلکه در وحدت دولتی روسیه است.

بدین صورت است که جایگاه اجتماعی فرهنگ نه تنها در کشور روسیه بلکه در جهان به‌عنوان یک عنصر تأثیرگذار مطرح است و سال‌هاست که در دستور کار نهادهای مختلف روسیه قرار گرفته است و نه به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات که یک بار اتخاذ و اعلام شود، بلکه به‌عنوان یک فرآیند پویا و پیوسته، بسته به تغییرات در وضعیت داخلی و خارجی، به طور مداوم تنظیم و اجرا می‌شود.

دستیابی به این هدف نیازمند اتحاد جامعه روسیه و استفاده از همه‌ی پتانسیل‌های فرهنگ ملی و ظرفیت‌ها

گردشگران را از نقاط مختلف جذب می‌کنند و همین گردشگران فرستادگان فرهنگی روسیه خواهند بود.

اقدام دیگر این است که در طول سال‌ها انواع جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها، مسابقات و المپیادها با موضوعات فرهنگی، تاریخی و هنری در داخل روسیه و در حوزه‌ی بین‌الملل طراحی شده‌اند. همچنین پروژه‌هایی بین‌المللی برنامه‌ریزی شده است که در زمینه‌های فرهنگی و هنری با اهداف بشردوستانه و ارتقای روابط با کشورهای دیگر مشارکت دارند.

هر ساله مردم در نقاط مختلف روسیه در این مراسم شرکت می‌کنند. این، علاوه بر شکوفایی استعدادهای فردی، به ایجاد روحیه‌ی سرزندگی و شادابی در جامعه هم کمک می‌کند و در نتیجه باعث پیشرفت در سطوح علمی، سیاسی و اجتماعی در جهان هم خواهد شد.

از اقدامات دیگر می‌توان به توسعه و حفاظت از زبان روسی، که اساس و تضمین وحدت فرهنگی و دولتی روسیه است، اشاره کرد. ماهیت چندملیتی روسیه، که با اتحاد مردمانی با فرهنگ‌ها، مذاهب و زبان‌های مختلف شکل گرفت، نقش زبان روسی را به‌عنوان مبنایی برای وجود تمدن روسیه تعیین کرد.

ایجاد شرایط لازم برای بهبود کیفیت دانش زبان مادری از طریق مقامات دولتی، روزنامه‌نگاران، سیاستمداران، معلمان و هرکسی که فعالیت حرفه‌ای آنها مربوط به این حوزه است در دستور کار قرار دارد.

شرایطی نیز برای آموزش زبان روسی جهت فعالیت کاری شهروندان خارجی در روسیه و حمایت از حقوق آنها ایجاد شده است.

بستر آموزش در خارج از روسیه از طریق ایجاد مدارس و مراکز آموزش تخصصی زبان روسی، به‌عنوان مثال مراکز خانگی روسی در کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی و مراکز برگزارکننده‌ی آزمون‌ها و دوره‌های زبان روسی "TRK" برای همه‌ی علاقه‌مندان در سراسر دنیا فراهم شده است و این مراکز در داخل کشور نیز پذیرای داوطلبان به یادگیری زبان روسی هستند. در واقع، زبان روسی ابزاری برای انتقال فرهنگ روسیه در جهان شده است.

بدین ترتیب، همه روزه تلاش‌های هدفمندی برای ترویج زبان روسی در جهان انجام می‌شود، از جمله گسترش حضور زبان روسی در اینترنت. این امر ضروری است تا ارزیابی روسیه از رویدادهای جاری تا حد ممکن در تصویر جهان وجود داشته باشد. موفقیت در این زمینه به اشباع اینترنت با منابعی به زبان روسی بستگی دارد که برای ساکنان تحصیل‌کرده‌ی کشورهای خارجی مفید و

جذاب هستند، اول از همه، منابعی که در فضای اطلاعاتی این کشورها به زبان رسمی آنها موجود نیست. لازم است تعداد منابع باکیفیت بالا در اینترنت به میزان قابل توجهی افزایش یابد و به شهروندان کشورهای مختلف امکان دهد زبان روسی را یاد بگیرند و اطلاعاتی در مورد فرهنگ روسی و زبان روسی دریافت کنند. حمایت از آثار ادبی مدرن، انتشار کتاب و مجلات ادبی از مهم‌ترین وظایف سیاست فرهنگی دولت است. نیاز به حمایت مداوم برای کار علمی در زمینه‌ی تهیه‌ی نسخه‌های آکادمیک ادبیات کلاسیک روسیه و رشد تاریخ ادبیات روسیه وجود دارد. ادبیات روسی جایگاه ویژه‌ای در زندگی معنوی و فرهنگی روسیه دارد، بنابراین بسیار مورد توجه است.

امروزه در فضای مجازی، هرکسی که به رایانه و اینترنت دسترسی دارد، فارغ از تحصیلات، دیدگاه، تجربه‌ی زندگی، دانش تخصصی، سلامت روان و نیت واقعی خود، چیزی خلق و توزیع می‌کند. در نتیجه، فضای اطلاعاتی آلوده است. در این شرایط، سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی مردم به یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه‌ی اجتماعی تبدیل می‌شود. در چارچوب این سیاست، محیط اطلاعاتی به‌عنوان مجموعه‌ای از رسانه‌های جمعی، رادیو و تلویزیون و اینترنت لازم است به گونه‌ای سازمان‌دهی شود که هم آگاهی‌دهنده و روشنگر و هم سرگرم‌کننده و جذب‌کننده برای تمامی اقشار جامعه در سنین مختلف باشد. با بررسی رسانه‌های روسی به وضوح دیده می‌شود که رسانه‌های جمعی در روسیه مورد توجه عموم مردم هستند، به گونه‌ای که کم‌تر به رسانه‌های خارجی توجه دارند. این اعتمادسازی تحسین‌برانگیز است. از اقدامات مهم دیگر در شبکه‌های مجازی این است که روسیه پلتفرم‌های روسی را طراحی کرده است که عموم مردم و نهادها در این کشور از آن استفاده می‌کنند به‌عنوان مثال vk.com، ok.ru، mail.ru، zen.yandex.ru، pikabu.ru که این نشان از احترام به تولید و خود کفایی در روحیه‌ی مردم روسیه است.

این‌ها بخشی از اقدامات موفقیت‌آمیز روسیه در راستای حفظ و توسعه‌ی فرهنگ خود در داخل و در حوزه‌ی بین‌الملل است که به طور مختصر به آن پرداخته شد.

در نتیجه‌ی آنچه ذکر شد، می‌توان گفت حفظ فرهنگ، تاریخ و زبان یک جامعه نیازمند اقدامات اساسی و جدی در همه‌ی زمینه‌ها با استفاده از همه‌ی استعدادها و منابع ملی و مردمی خود است. هرگاه فرهنگ مردمی در سطوح مختلف ارتقا پیدا کند، باعث پیشرفت و توسعه‌ی آن کشور در حوزه‌های علمی و اجتماعی در جهان هم خواهد شد. اعتماد و همبستگی ملی اعتبار و افتخار جهانی هم به‌دنبال خواهد داشت.

اصطلاحات پایه‌ی حوزه‌ی آموزش زبان در زبان روسی و معادل آن‌ها به زبان فارسی: بر اساس زبان‌شناسی پیکره‌ای

برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خانم فاطمه جعفری، استاد راهنما: آقای دکتر محمدرضا محمدی، استاد مشاور: خانم دکتر میریلا احمدی، ۱۴۰۰، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، گروه زبان روسی

☑ **Азимов Э.Г., Щукин А.Н. Словарь методических терминов (теория и практика преподавания языков).** - СПб: «Златоуст», 1999. – 472 с.

☑ **Щукин А.Н. Методика преподавания русского языка как иностранного: Учебное пособие для вузов.**- М.: Высшая школа, 2003 -334 с.

از آن‌جایی که تحقیق صورت‌گرفته پیرامون اصطلاحات پایه‌ی حوزه‌ی آموزش است، از فهرست بسامدی به‌دست‌آمده از نرم‌افزار Sketch Engine ابتدا اصطلاحات پایه مشخص شدند و سپس معادل‌یابی صورت گرفت.

در فرهنگ‌های شوکین و عظیم‌ علاوه بر فهرست الفبایی، فهرست موضوعی نیز وجود دارد. که بخش اول این فهرست مربوط به اصطلاحات پایه‌ی حوزه‌ی آموزش زبان است. با مقایسه‌ی اصطلاحات مربوط به این بخش و فهرست بسامدی به‌دست‌آمده از پیکره، این نتیجه حاصل شد که کلمات بیان‌شده در بخش اصطلاحات پایه در فرهنگ شوکین نیز دارای بسامد بالایی هستند. بنابراین کلمات این بخش از فرهنگ که شامل ۱۰۱ اصطلاح است برای معادل‌یابی انتخاب شدند. اصطلاحات انتخابی در فرهنگ‌های روسی، انگلیسی و فارسی بررسی شدند و پس از بررسی، مناسب‌ترین معادل موجود برای اصطلاحات انتخاب شد و برای اصطلاحاتی که به‌طور کلی برای آن‌ها معادلی یا معادل مناسبی وجود نداشت، معادل جدید پیشنهاد شد. علاوه بر معادل‌یابی اصطلاحات انتخابی، عبارت‌های پرکاربرد مربوط به این اصطلاحات نیز در این کار ذکر و معادل‌یابی شده‌اند.

در ادامه، روند کار و نمونه‌ای از نحوه‌ی معادل‌یابی‌های انجام شده برای اصطلاح «Умение» ارائه شده است:

Умение

Толкование:

[Азимов 2009]: Усвоенный субъектом способ выполнения действий,

با توجه به اهمیت علم اصطلاح‌شناسی در تمامی علوم و توسعه و افزایش اصطلاحات تخصصی در تمامی حوزه‌ها، مشکلاتی برای متخصصین هر یک از این حوزه‌ها به وجود آمده است و همین امر منجر به افزایش اهمیت علم اصطلاح‌شناسی و توجه بیشتر زبان‌شناسان به این علم شده است. معادل‌یابی این اصطلاحات به زبان مادری باعث سهولت در آموزش علوم و ترجمه‌ی متون تخصصی و سرعت یافتن ارتباطات بین متخصصین هر علم و جلوگیری از ورود کلمات بیگانه به زبان مادری می‌شود.

علی‌رغم تعداد زیاد دانشجویانی که در حال فراگیری زبان روسی و علم تدریس زبان روسی هستند و برای فعالیت‌های حرفه‌ای تعلیم و تربیت آماده می‌شوند، فرهنگ روسی به فارسی تخصصی اصطلاحات در حوزه‌ی علم تدریس زبان روسی وجود ندارد و نیاز به تألیف چنین فرهنگی به شدت احساس می‌شود. به همین دلیل این کار تحقیقی به بررسی اصطلاحات پایه‌ی حوزه‌ی آموزش زبان در زبان روسی و معادل آن‌ها به زبان فارسی براساس زبان‌شناسی پیکره‌ای پرداخته است. هدف اصلی این پایان‌نامه گردآوری اصطلاحات پایه‌ی حوزه‌ی آموزش در زبان روسی و بررسی و تحلیل این اصطلاحات به منظور انتخاب مناسب‌ترین معادل موجود (استفاده از اصل به‌گزینی) یا پیشنهاد معادل جدید برای اصطلاحات بدون معادل یا بدون معادل مناسب بود.

در این پایان‌نامه در ابتدا برای یافتن اصطلاحات پایه، کتب تخصصی این حوزه بررسی و طبقه‌بندی شدند و از میان آن‌ها کتاب‌هایی که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است برای ساخت پیکره‌ی پژوهشی با کمک نرم‌افزار Sketch Engine انتخاب شدند:

☑ **Азимов Э.Г., Щукин А.Н. Новый словарь методических терминов и понятий (теория и практика обучения языкам).** - М.: Издательство ИКАР, 2009. - 448с.

полностью совпадает с понятием русского термина.

- коммуникативное умение: توانایی ارتباطی / توانش ارتباطی

- речевое умение: توانایی گفتاری / توانش گفتاری

- формирование навыков и умений: شکل‌گیری مهارت‌ها و توانایی‌ها

نتیجه‌گیری

در حال حاضر فرهنگ روسی به فارسی تخصصی اصطلاحات در حوزه‌ی علم تدریس زبان روسی، وجود ندارد. در زبان فارسی، دو فرهنگ عمومی واسکانیان و افچینیکوا بیشترین کاربرد را در میان دانشجویان زبان روسی دارند، که فرهنگ واسکانیان دارای اصطلاحات آموزشی بیشتری نسبت به فرهنگ افچینیکوا است.

در این تحقیق، زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسطه نقش مهمی را برای معادل‌یابی ایفا کرده است، زیرا با ریشه‌یابی اصطلاحات انتخابی، این نتیجه حاصل شده که تقریباً نیمی از اصطلاحات دارای ریشه‌ی روسی نیستند. با توجه به پژوهش صورت‌گرفته، اصطلاحات پایه‌ی آموزشی بیشتر به صورت اسم هستند.

معادل برخی از اصطلاحات با یک کلمه بیان نمی‌شود و برای ارائه‌ی معادل برای آن‌ها باید از گروه‌واژه استفاده کرد. تقریباً نیمی از اصطلاحات انتخابی دارای مفهوم انتزاعی هستند که از میان آن‌ها تعداد محدودی در فرهنگ‌های فارسی به روسی دارای معادل هستند. این تحقیق می‌تواند برای دانشجویان زبان روسی و افرادی که در حوزه‌ی آموزش و تدریس زبان علاقه دارند، مفید واقع شود.

обеспечиваемый совокупностью приобретенных знаний и навыков. Способность осознанно совершать действие, опираясь на сформированные навыки и приобретенные знания. Создает возможность выполнения определенных действий не только в привычных, но и в изменяющихся условиях. Умение характеризуется осознанностью, самостоятельностью, продуктивностью и динамизмом. <...> Умение могут быть как практическими, так и умственными. В отличие от навыков, Умение может образовываться и без специальных упражнений в выполнении какого-либо действия. В этом случае оно опирается на знания и навыки, приобретенные ранее, при выполнении действий, сходных с данным. Высокий уровень умения означает возможность пользоваться разными навыками для достижения одной и той же цели в зависимости от условий действия. Приобретенные человеком в процессе овладения языком умения свидетельствуют об уровне владения языком, а также являются показателем его общего умственного развития.

معادل پیشنهادی: توانایی / توانش

Анализ: По происхождению это древнерусское слово (см. приложение 3). Его английский эквивалент - «Ability», можно сказать, что единое общее мнение у авторов для эквивалента «Ability». Поэтому выбираем эквивалент «тوانایی / توانش». Предложенный эквивалент

Английский эквивалент:

Термин	Ахманова 1966	Oxford 1998	Хворостин 2007	Койфман 2012	Мюллер 2016
умение	-	Ability, skill	-	-	Ability, skill

Персидский эквивалент:

Термин	عاصی ۱۳۷۵	فلاحی مقیمی ۱۳۷۶	افچینیکوا ۱۳۸۱	رحمتیان ۱۳۹۰	واسکانیان ۱۳۹۱	همایون ۱۳۹۴	فرهنگستان
умение	Skill: مهارت	Ability: توانایی، توانش Skill: مهارت	مهارت	Ability: توانایی، توانش Skill: مهارت	توانش، توانایی؛ مهارت	Ability: توانایی Skill: مهارت	Ability: توانایی Skill: مهارت

تحلیل روش‌های ترجمه‌ی عناصر فرهنگی در دوبله‌ی روسی سریال ایرانی «شهرزاد»

برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خانم حنا سادات بدیعی خمسه‌فرد، استاد راهنما: آقای دکتر آبتین گلکار، استاد مشاور: آقای دکتر هادی بهارلو، ۱۴۰۱، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، گروه زبان روسی

در پایان‌نامه‌ی حاضر، در ابتدا تعاریف مختلف «عناصر فرهنگی» ارائه شد و تعریف ارائه‌شده توسط ترجمه‌پژوهان بلغاری، سرگی ولاخوف و سیدر فلورین، به عنوان تعریف مناسب انتخاب شد. همچنین دسته‌بندی‌های مختلفی از عناصر فرهنگی براساس نظریه‌های نظریه‌پردازان مختلف بررسی شد و از میان آن‌ها دسته‌بندی موضوعی سرگی ولاخوف و سیدر فلورین به دلیل جامع بودن انتخاب شد. به این دسته‌بندی دسته‌ی عناصر دینی از نظریه‌ی رپین و عناصر نام‌شناسی از نظریه‌ی وندیکت وینوگرادوف اضافه شد. همچنین روش‌های ترجمه‌ی عناصر فرهنگی مطابق با نظریه‌های لئونید بارخوداروف، وندیکت وینوگرادوف، سرگی ولاخوف و سیدر فلورین ارائه شد و در آخر نظریه‌ی سرگی ولاخوف و سیدر فلورین به عنوان اساس کار تحقیقاتی انتخاب شد. از آنجایی که موضوع کار تحقیقاتی ما ترجمه‌ی روسی سریال ایرانی «شهرزاد» بوده است در خصوص ترجمه‌ی فیلم و سریال و ویژگی‌ها و محدودیت‌های آن نیز مطالبی ارائه شده است.

در ادامه، عناصر فرهنگی موجود در دیالوگ‌های سریال به همراه معادل‌های روسی‌شان از هر سه فصل سریال استخراج و روش ترجمه‌ی هر یک تعیین و بررسی شد. در مجموع ۳۸۹ عنصر فرهنگی ایران و ۴۲۷ معادل روسی یافته شد، زیرا برخی از عناصر فرهنگی در جاهای مختلف با روش‌های مختلفی ترجمه شده‌اند. بیشترین عناصر قوم‌نگاری (۱۸۴ نمونه) نام‌شناسی (۱۳۶ نمونه)، مذهبی (۶۴ نمونه) و اجتماعی - سیاسی (۷ نمونه) بودند. در این سریال عناصر نظامی و عناصر جغرافیایی یافت نشد.

تحلیل پیکره‌ی تحقیق به‌وضوح نشان می‌دهد که ترجمه‌ی دیداری شنیداری، به ویژه دوبله و زیرنویس، تفاوت زیادی با سایر انواع ترجمه دارد و روش‌های ترجمه‌ای که در سایر انواع ترجمه موثر هستند، اغلب به دلیل محدودیت‌های

فیلم و سریال یکی از مؤثرترین راه‌ها برای آشنایی با فرهنگ ملل دیگر است. سینمای ایران در دهه‌های اخیر جایگاه خود را در عرصه‌ی بین‌الملل تقویت کرده و آثار کارگردانان ایرانی پیوسته در سینماهای جهان به نمایش درمی‌آید. بنابراین، تقاضا برای ترجمه‌ی باکیفیت فیلم از فارسی به زبان‌های دیگر، از جمله روسی، رو به افزایش است. این نوع ترجمه با انواع دیگر ترجمه تفاوت‌های بارزی دارد و خصوصیت‌ها، رویکردها، مشکلات، راه‌حل‌ها و روش‌های منحصربه‌فرد خود را دارد که تحلیل علمی آنها به بهبود کیفیت ترجمه کمک می‌کند.

سریال «شهرزاد» مجموعه‌ی درام تاریخی و عاشقانه‌ای است که بیشتر مضمونی رمانتیک دارد و می‌توان آن را ملودرامی عشقی - جنایی تعریف کرد. فصل اول آن در سال ۱۳۹۴ در ۲۸ قسمت، فصل دوم در سال ۱۳۹۶ در ۱۵ قسمت و فصل سوم در ۱۶ قسمت در زمستان ۱۳۹۶ (۲۰۱۸) پخش شد. این سریال همزمان در کشور آلمان و آمریکا نیز نمایش داده می‌شد و به همین مناسبت مراسم فرش قرمز با حضور بازیگران و دست‌اندرکاران سریال در شهر کلن آلمان برگزار شد. پخش جهانی این سریال نیز توسط شرکت فیلم‌سازی «ای ام فیلم» در آلمان انجام شد. فروش این مجموعه همچنین در اواسط پخش سریال در امارات متحده‌ی عربی آغاز شده بود.

سریال «شهرزاد» در چارچوب توسعه‌ی همکاری‌های هنری و سینمایی ایران و روسیه از ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۹ در شبکه «فرهنگ» تلویزیون دولتی روسیه نیز به نمایش درآمد. شبکه‌ی «فرهنگ» روسیه گرایش فرهنگی و تاریخی دارد و از این رو سریال «شهرزاد» مورد توجه این کانال قرار گرفت. پیش از این، تعدادی از فیلم‌های سینمایی ایران در روسیه به نمایش درآمدند، اما «شهرزاد» نخستین سریال ایرانی است که از تلویزیون این کشور پخش شد.

﴿ ترجمه‌ی توصیفی (۸۴ نمونه)، مانند:

Угощение для тех, кто придёт
на его похороны : حلوا:

Мясо с фасолями и зеленью : قرمه سبزی:

Приданое для новорождённого : سیسمونی:

Подожги сухую руту чтобы
нечистого прогнать : اسفند:

Благотворительный стол в
честь святой Биби Сакине : سفره بی‌بی‌سکینه:

Четыре суры из Корана, что
защищает вас от всякой беды : دعای چهار قل:

﴿ گرت‌برداری (۳۹ نمونه)، مانند:

Чай с имбирем и медом : چایی عسل
زنجبیل:

Общественная баня : حمام عمومی:

Тысяча и одна ночь : هزار و یک شب:

Конституционное движение : نهضت مشروطه:

این نوع ترجمه، کارایی ندارد. از سوی دیگر، ترجمه‌ی عناصر فرهنگی نیز یکی از سخت‌ترین چالش‌های پیش روی مترجمان است، زیرا این عناصر به واژگان بدون معادل تعلق دارند و دارای ویژگی کاملاً ملی هستند. مترجمان در هنگام ترجمه‌ی عناصر فرهنگی در ترجمه‌ی دیداری - شنیداری با مشکلات دشوارتری مواجه می‌شوند، زیرا در سایر انواع ترجمه برای حل این مشکل می‌توان از توضیحات اضافی (به عنوان مثال در پاورقی) استفاده کرد، در حالی که در ترجمه‌ی دیداری - شنیداری این امکان وجود ندارد.

در ترجمه‌ی عناصر فرهنگی سریال «شهرزاد» به زبان روسی، متداول‌ترین روش‌های ترجمه به شرح زیر هستند:

﴿ واج‌نگاری و آوانگاری (۱۱۴ نمونه)، مانند:

Риал : ریال:

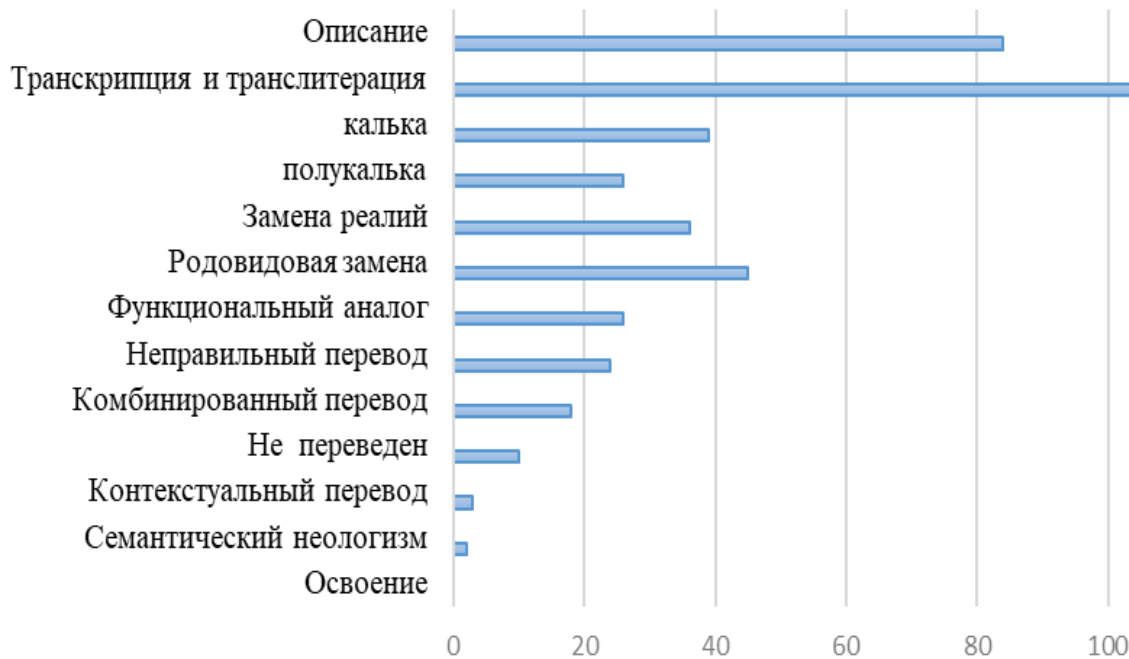
Кашан : کاشان:

Кафе Надери : کافه نادری:

Ахаван Салес : اخوان ثالث:

Хаджи : حاجی:

Схема способов перевода реалий в сериале "Шахерезада"



	Этнографические реалии	Ономастические реалии	Общественно- политические реалии	Религиозные реалии	сумма
Транскрипция и транслитерация	17	88	0	9	114
калька	25	7	2	5	39
полукалька	9	11	2	4	26
освоение	0	0	0	0	0
Семантический неологизм	0	2	0	0	2
Замена реалий	28	4	1	3	36
Родовидовая замена	32	2	0	11	45
Функциональный аналог	10	6	0	10	26
Описание	41	13	1	29	84
Контекстуальный перевод	3	0	0	0	3
Комбинированный перевод	17	1	0	0	18
Неправильный перевод	19	1	1	3	24
Не переведен	5	3	0	2	10
сумма	206	138	7	76	427

﴿ ترجمه‌ی تعمیمی (۴۵ نمونه)، مانند:

﴿ ترجمه‌ی کارکردی (۲۶ نمونه)، مانند:

Десерт: تنقلات:

Сладкий чай: چایی نبات:

Церемониться: تعارف کردن:

Домашние сладости: حلوائی ماما
جیم جیم:

Пассаж: تیمچه:

Банщик: کیسه کش:

Ведьма: مادر فولادزره:

Монет: شاباش:

Гадать: استخاره:

Отец: حاجی بابا:

﴿ ترکیب روش‌های پیشین (۱۸ نمونه)، مانند:

Простить: حلال کردن:

Десерт фалюде: فالوده:

﴿ معادل فرهنگی (۳۶ نمونه)، مانند:

Потроха Калепаче: کله پاچه:

Королевский суп
пити: دیزی سلطانی:

Айран: دوغ:

Гранатовые марки
Хаджхануми: حاج‌خانمی دونه‌اناری
(فرش):

Хлеб-соль: نمک گیر:

Парламент: مجلس:

Арена Мир-Чахмах: زورخانه‌ی میرچخماق:

﴿ نیمه‌قرضی (۲۶ نمونه)، مانند:

﴿ در کل سریال تنها سه نمونه ترجمه‌ی بافتاری:

۱. مشتلق: добрая весть

نان سنگک
خشخاشی:

۲. اسفند دود کردن: чтобы не сглазить.

فنجون نعلبکی شاه
عباسی:

۳. سفره عقد: свадьба.

قجر بانو:

و دو نمونه ساخت نوواژه:

۱. پهلوی اول: Пехлеви отца.

کاخ گلستان:

۲. پهلوی دوم: Пехлеви сына.

حسن کچل:

یافت شد. روش ترجمه‌ی همگونی در کل سریال استفاده نشده

است. در مجموع ۱۰ عنصر فرهنگی نیز در سریال ترجمه
نشده است (گوش‌فیل، گلپر، سنبل‌الطیب، کاسه‌بشقابی،

قرارداد ترکمنچای:

سیاه‌باز، تخت‌حوضی، گود عرب‌ها، کاشمر، سبزه‌میدان، یک

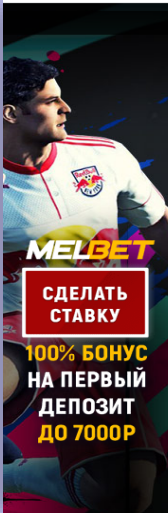
نماز صبح:

همشیره: Молочная сестра (ترجمة تحت اللفظی)
 زیرلفظی: Сквозь зубы (درک نادرست کلمه در زبان
 مبدأ)


حلوا: Халва (دوستان دروغین مترجم)
 بامیه: Бамия (دوستان دروغین مترجم)

دور تسبیح، دو دست بریده علمدار کربلا) و ۲۴ عنصر
 فرهنگی اشتباه ترجمه شده است. بیشتر اشتباهات ترجمه به
 این دلیل است که مترجم آن‌ها را تحت‌اللفظی ترجمه کرده
 است. برخی از اشتباهات ترجمه به دلیل درک نادرست کلمه
 در زبان مبدا و برخی از اشتباهات از «دوستان دروغین
 مترجم» بوده‌اند، مانند:

نشانی اینترنتی برای تماشای سه فصل سریال «شهرزاد» با دوبله روسی



Шахерезада / Shahrzad Все серии (2015) смотреть онлайн иранский сериал на русском языке

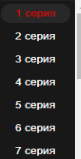


Знаменитый иранский сериал Шахерезада / Shahrzad 1-3 сезон Все серии (Иран, 2015) смотреть онлайн на русском языке.

Фархад и Шахерезада – главные герои этого телевизионного сериала, события которого разворачиваются в Иране в начале 1950-х годов. Молодые люди влюблены друг в друга, но не много времени, в котором оказалась страна, диктует свои законы. В Иране происходит кровавый государственный переворот, в результате которого на престол восходит шах Пехлеви. Против его правления в стране начинаются масштабные беспорядки, а шах бросает против своего народа армию и спецслужбы. На фоне этого хаоса молодой журналист Фархад, пытающийся объективно и беспристрастно освещать происходящие события, влюбляется в дочь крупного бизнесмена Шахерезаду. Но ее семью, в частности связанного с правительством отца, ожидают большие перемены и испытания и не отразится ли это на их чувствах...

Добавлена 1-59 серия (русская озвучка).

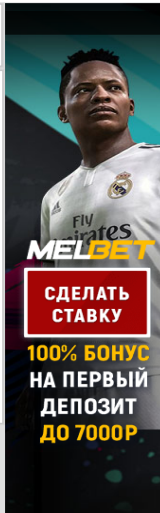
О не рабочем видео сообщите в комментариях!
 Для просмотра просто нажмите на сериол



Интересное:


Популярное:

1. Зароетный огонь / Yasak Elma Все серии (2018) смотреть о...
2. Довженко / Emanuel Все серии (2020) смотреть онлайн н...
3. Османские Осланы / Kurulus Osman Все серии (2019) смот...
4. Мои друзья и сестры / Kardeslerim Все серии (2021) смот...
5. Женская доля / Kumkum Biryuz Все серии (2015) смот...
6. Дерушка за стеклом / Samdaki Kiz Все серии (2021) смот...
7. Подорожная / Yagol Все серии (2021) смотреть онлайн на ...
8. Зинеддин / Yul Sahipleri Все серии (2022) смотреть онла...
9. Профессорша Беснизе Сельмазлу / Uyanis Buyuk Selma...
10. Разведка / Teskilat Все серии (2021) смотреть онлайн на ...
11. Ты сестра / Uyk Kiz Kardeci Все серии (2022) смотреть он...
12. Кровавый шербет / Kizilcik Serbetli Все серии (2022) с...



<https://1plus1tv.ru/20532-shaherezada-shahrzad-2015-smotret-onlayn-iranskiy-serial-na-russkom-yazyke.html>

Кинопоиск Онлайн-кинотеатр Фильмы, сериалы, персоны Смотреть кино бесплатно



Шахерезада
(сериал 2015 – 2018)

Shahrzad

Буду смотреть

Добавить в папку

О сериале

Год производства	2015 (3 сезона)
Страна	Иран
Жанр	драма, мелодрама, история
Слоган	«When a windstorm happens in life, love is the first victim»
Режиссер	Хассан Фатхи
Сценарий	Хассан Фатхи, Naghme Samini
Продюсер	Mohammad Emami, Seyyed Mohammad Emami, Мохад Эмами
Оператор	Afshin Ahmadi

В главных ролях >

Таране Алидост
 Мустафа Замани
 Шахаб Хоссейни
 Париназ Иззидар
 Gelage Abasi
 Мехди Солтани
 Али Нассирьян
 Fariba Motekhasses
 Мона Ахмади
 Махмуд Пак Ният

<https://www.kinopoisk.ru/series/1049503/>

گزارش

بازگشت دانشجویان به کارگاه‌های آموزشی با کارگاه Finereader

عضو هیئت علمی گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، تدریس این کارگاه را برعهده گرفت. به‌منظور استفاده‌ی بهتر دانشجویان از این کارگاه، تعداد محدودی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی برای آن تعیین شد.

این کارگاه در دو جلسه در اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ برگزار شد و اولین کارگاهی بود که انجمن و گروه زبان روسی بعد از پایان دوران همه‌گیری کوید-۱۹ و حضوری شدن دوباره‌ی دانشگاه‌ها ترتیب داد. در جلسه‌ی نخست این کارگاه، که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۶ برگزار شد، آقای دکتر محمدی تنظیمات مورد نیاز و نحوه‌ی کار با نرم‌افزار ABBYY FineReader 12 را برای تبدیل و ویرایش متون زبان روسی آموزش داد. این نرم‌افزار از جمله نرم‌افزارهای OCR است که دسترسی و استفاده از آن برای دانشجویان ایرانی ممکن و آسان است.

در جلسه‌ی دوم کارگاه، که در تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۲ برگزار شد، مدرس کارگاه درباره‌ی نحوه‌ی استفاده از اسکنر برای تبدیل اسناد کاغذی به داده‌های رایانه‌ای سخن گفت و راهکارهایی ارائه داد تا دانشجویان بتوانند متون زبان فارسی را نیز در این نرم‌افزار وارد و ویرایش کنند. این نکته از این نظر حائز اهمیت است که زبان فارسی، جزو زبان‌های پیش فرض نرم‌افزار نیست. در پایان جلسه هم به سوالات دانشجویان پاسخ داده شد.



Optical Character Recognition (به اختصار OCR)، یا نویسه‌خوان نوری، فناوری است برای تشخیص متن درون تصاویر. این فناوری، تصویر حاوی متن (تایپ‌شده، دست‌نویس یا چاپ‌شده) را به داده‌های متنی قابل خواندن در سیستم‌های رایانه‌ای تبدیل می‌کند. در واقع، در این نرم‌افزار پس از اسکن سند و ویرایشی که روی آن انجام می‌گیرد، متن از حالت کاغذی تبدیل به سندی می‌شود که قابل ویرایش است.

همان‌طور که می‌دانیم، دانشجویان، به‌خصوص در مقاطع تحصیلات تکمیلی، می‌توانند استفاده‌ی زیادی از این نرم‌افزارها ببرند؛ مثلاً به‌جای تایپ دوباره‌ی سند، آن را وارد نرم‌افزار کنند و ویرایش مورد نظر را روی آن انجام دهند و از آن در تحقیقات یا مقالات خود استفاده کنند. در این راستا، انجمن علمی-دانشجویی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس تصمیم گرفت کارگاهی در این خصوص تشکیل دهد. آقای دکتر محمدرضا محمدی،

گزارش «کارگاه‌های آموزشی تابستانه‌ی زبان روسی»



سارا جمال‌پورمرغوب، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس

برگزار کردند. در این کارگاه چند اثر ادبی مختلف بررسی و توسط شرکت‌کنندگان ترجمه شد و مدرس کارگاه با مشارکت حاضرین ترجمه‌ها را اصلاح می‌کردند و نکات مهم و کاربردی ترجمه‌ی ادبی را آموزش می‌دادند. آقای دکتر حسین شیخی، عضو هیئت علمی گروه زبان روسی دانشگاه شهید بهشتی، مهمان ویژه‌ی این کارگاه بودند!

گروه و انجمن علمی دانشجویی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس با همکاری انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی در بازه‌ی زمانی ۵ تا ۱۰ شهریور برای نخستین بار «کارگاه‌های آموزشی تابستانه‌ی زبان روسی» را در آزمایشگاه زبان روسی دانشکده‌ی علوم انسانی این دانشگاه برگزار کردند.

این دوره شامل چهار عنوان درسی ترجمه‌ی ادبی، واژه‌سازی، آواشناسی و نحو کاربردی بود. در این دوره‌ی ۲۸ ساعته، دانشجویان موارد کاربردی و مهم هر یک از عناوین درسی مذکور را فراگرفتند و با کمک مدرسین هر کارگاه به حل تمرین و بحث و بررسی موارد گفته‌شده پرداختند.



در تاریخ ۷ شهریور، کارگاه واژه‌سازی با حضور ۲۱ شرکت‌کننده برگزار شد و مدرس این کارگاه آقای دکتر هادی بهارلو بودند. در این کارگاه ۶ ساعته مبحث آشنایی با ابزارها و روش‌های ساخت کلمات در زبان روسی بررسی شد و شرکت‌کنندگان تمرین‌هایی را نیز به کمک آقای دکتر بهارلو انجام دادند.



در تاریخ ۵ و ۶ شهریور، آقای دکتر آبتین گلکار کارگاه ترجمه‌ی ادبی را در ۸ ساعت و با حضور ۲۶ شرکت‌کننده



به مباحث گروه‌واژه، اجزای اصلی و فرعی جمله و... پرداخته شد. همچنین خانم دکتر علیاری با مشارکت حاضرین سوالات نحو کنکور کارشناسی ارشد چند سال اخیر را بررسی کردند. در انتهای هر کارگاه از طرف گروه و انجمن علمی دانشجویی گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس و انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی گواهی شرکت در کارگاه و همچنین یک جلد کتاب به رسم یادبود به شرکت‌کنندگان اعطا شد.

آقای دکتر بهارلو در تاریخ ۸ شهریور کارگاه آشناسی را نیز در ۶ ساعت برگزار کردند. در این کارگاه تلفظ همخوان‌های سخت و نرم و ساختارهای بیانی زبان روسی آموزش داده شد و شرکت‌کنندگان که ۲۰ نفر بودند، تمرین‌های شفاهی این دو مبحث درس آشناسی را با راهنمایی مدرس کارگاه انجام دادند. در تاریخ ۹ و ۱۰ شهریور نیز خانم دکتر محبوبه علیاری شوره‌دلی کارگاه نحو کاربردی را برگزار کردند. در این کارگاه ۱۸ نفره که ۸ ساعت به طول انجامید،

Пьяный мужик ночью идет по улице и смотрит на небо. Кричит милиционер:
— Если не смотришь, куда идёшь, идёшь, куда смотришь!

Столкнулись лбами пьяный и косоглазый.
Косоглазый:
— Смотри, куда идешь!
Пьяный:
— А ты иди, куда смотришь!

Пьяный мужик ночью идет по улице. Его останавливает милиционер.
— Куда идешь?
— Иду слушать лекцию о вреде пьянства и алкоголизма.
— В три часа ночи?! Кто же тебе будет ее читать?
— Кто, кто!!! Моя жена и теща!

نشست

«بازار کار زبان روسی: فرصت‌ها و چالش‌ها»

و درباره‌ی تجرب خود سخن گفتند: از جمله اینکه بازار کار زبان روسی بیشتر در چه بخش‌هایی متمرکز است، چه توانمندی‌هایی برای ورود به این بخش‌ها لازم است و چطور می‌توان این توانمندی‌ها را افزایش داد؛ چگونه می‌توان ترس و خجالت برای ورود به بازار کار را کنار گذاشت و موقعیت‌های شغلی پیشنهادی را پذیرفت؛ چطور می‌توان شغل مناسب را پیدا کرد و در انجام آن موفق بود.

پس این که آقای دکتر شیخی، خانم دکتر رضوانی و آقای دکتر گلستان در مورد این مسائل توضیح دادند، آقای دکتر بهارلو نیز نظرات خود را بیان کردند و نتیجه‌گیری کلی ارائه دادند.

از چند روز پیش از شروع نشست، دبیران انجمن‌های این چهار دانشگاه سوالاتی را که مخاطبان صفحات اینستاگرام انجمن‌ها از سخنرانان داشتند، جمع‌آوری کرده بودند و پس از اتمام سخنرانی‌ها، آقای دکتر بهارلو این سوالات را مطرح کردند و سخنرانان به آنها پاسخ دادند.



دوشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ گروه و انجمن علمی دانشجویی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس و انجمن ایرانی زبان و ادبیات روسی با همکاری گروه‌ها و انجمن‌های علمی دانشجویی زبان روسی دانشگاه‌های شهید بهشتی، الزهرا^(س) و مازندران نشستی مجازی با عنوان «بازار کار زبان روسی: فرصت‌ها و چالش‌ها» برگزار کردند. این نشست دوساعته راس ساعت ۲۱ شروع و با حضور نزدیک به ۲۰۰ نفر در سامانه‌ی vclass2 دانشگاه برگزار شد.

در این نشست، آقای دکتر حسین شیخی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، خانم دکتر وجیهه رضوانی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا^(س)، آقای دکتر پیمان گلستان، عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران، و آقای دکتر هادی بهارلو، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و استاد مشاور انجمن علمی دانشجویی این دانشگاه، به ترتیب سخنرانی کردند.

محورهای اصلی این نشست تحلیل و بررسی فرصت‌ها و چالش‌هایی بود که دانشجویان و دانش‌آموختگان زبان روسی در مسیر شغلی خود با آنها مواجه می‌شوند. هر کدام از اساتید در بازه‌ی زمانی پانزده الی بیست دقیقه توضیحاتی ارائه دادند





فرناز قزاتلو، دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس

طول می‌انجامید. از این رو، بسیاری کی‌یف را که نزدیک‌تر بود برای سفر انتخاب می‌کردند و برای این که در طول مسیر گم نشوند پیوسته از مردم محلی راهنمایی می‌خواستند. آنها نیز با کمال میل مسیر را نشان می‌دادند. بدین ترتیب بود که ضرب‌المثل «زبان شما را به کی‌یف می‌رساند» شکل گرفت. نویسندگان مجله‌ی «کراسنایا بوردا» درباره‌ی این اصطلاح داستان طنزی به شرح زیر نوشتند:

در سال ۹۹۹، نیکیتا شچکومیاکا در صحرای بی‌پایانی در روسیه گم شد و به قبیله‌ی قپچاق‌ها رسید. هنگامی که قپچاقی از او پرسید: «شما اهل کجا هستید؟ نیکیتا» پاسخ داد که از شهر ثروتمند و زیبای کی‌یف است و ثروت و زیبایی شهر زادگاهش را برای کوچ‌نشینان نقاشی کرد و به تصویر کشید. خان نانچاک، نیکیتا را از زبان به دم اسب خود آویزان کرد و قپچاق‌ها برای جنگ و غارت به کی‌یف رفتند. این چنین نیکیتا شچکومیاکا با کمک زبانش به خانه رسید. باید اشاره شود که این داستان فقط یک شوخی و

فکاهی است و جنبه‌ی تاریخی یا علمی ندارد.

شاید نزدیک‌ترین معادل این ضرب‌المثل در زبان فارسی «پرسان پرسان می‌روند هندوستان» باشد، مثلاً در نمونه‌ی زیر:

- Я не знаю как мне быть в этом незнакомом городе?

- А ты у людей спрашивай. Язык до Киева доведёт.

- من نمی‌دانم در این شهر غریب چه کار کنم؟

- از مردم سوال کن، پرسان پرسان می‌روند هندوستان.

اصطلاح «язык до Киева доведёт» که تحت‌اللفظی «زبان شما را به کی‌یف می‌رساند» ترجمه می‌شود، یکی از قدیمی‌ترین شواهد مربوط به دوران روس کی‌یفی است که هیچ نشانه‌ای در جاده‌ها وجود نداشت و مسافرانی که به کی‌یف سفر می‌کردند تنها به لطف پرس‌وجو از افرادی که در مسیر ملاقات می‌کردند می‌توانستند راه خود را در منطقه‌ای ناشناخته پیدا کنند.

از این ضرب‌المثل دو برداشت می‌شود کرد: این جمله اولاً به این معنی است که هنگام جستجو همیشه می‌توانید به راهنمایی‌ها اعتماد کنید. ثانیاً در زمان روس کی‌یفی این کی‌یف بود که پایتخت بود و مهم‌ترین جاده‌ها به آن وصل می‌شدند. بنابراین نیازی به دانستن جهت نبود، زیرا هر کسی می‌توانست به درستی به جهت اشاره کند.

این ضرب‌المثل به لطف «دوره‌ی تاریخ روسیه» واسیلی اوسیپوویچ کلیوچفسکی مورد بررسی علمی - تاریخی قرار گرفت.

او در جلد اول این کتاب می‌نویسد: این ضرب‌المثل عامیانه به این معنا نیست که راه‌های منتهی به کی‌یف ناشناخته است، بلکه هرکسی در جاده‌ها می‌تواند راه درست را به شما نشان بدهد، چراکه همه‌ی مسیرها به کی‌یف ختم می‌شوند؛ این همانند ضرب‌المثل غربی قرون وسطی است که می‌گوید: تمام جاده‌ها به رم ختم می‌شود.

واقعیت این است که در سنت مسیحی رسم بود حداقل یک بار در طول زندگی به زیارت اماکن مقدس بروند. به عنوان مثال، سفر پیاده از روسیه به اورشلیم سه سال به

شبح آماتور

نویزکان: ایلیا یلف، یوگنی تروف

روباشکین و یان اسکامیکین، دو برادر که با فامیلی‌های مختلف در شرکت «پمپ‌ها» کار می‌کردند، گفتند و ادامه دادند: «توی دنیا معجزه وجود نداره و خود آدم، اون نابغه‌ایه که این خیال‌ها رو درست کرده.»

گالریسکی تایید کرد: «روح برای ماتریالیست‌ها معنی نداره. حتی بیشتر از اون، برای من که کمونیستم.» کولتورتریگر از کارافتاده زیرلب گفت: «ممکنه باشه. هر چیزی ممکنه باشه. چیزهای معمایی و درک‌نشدنی زیادی توی دنیا هست.»

لف روباشکین گفت: «شما رو توی پاک‌سازی بنا به معیار دوم بیرون می‌کنن، اون وقت می‌فهمین که چه جوری موقع انجام وظیفه‌ی اداری، فلسفه بیافین.»

یان اسکامیکین با نگاهی به برادرش روباشکین ادامه‌ی حرف را گرفت: «این پیری‌ها را باید انداخت بیرون.» و با این حرف، صحبتشان تمام شد.

روز بعد در شرکت سهامی «پمپ‌ها» شب‌هی ظاهر شد. شبح از توالت بیرون آمد و با قدم‌های آهسته در راهروی بلند و تاریک به پیش رفت.

شب‌هی بود معمولی، کوتاه و تماماً سفیدپوش، با داسی در دست راستش. معلوم بود که این شبح همراه با زمان جلو می‌رفت، چون در دست چپش به جای ساعتی شنی، ساعت شماده‌دار کاملاً جدیدی داشت.

شبح در راهش، بعد از ترساندن خانم ماشین‌نویسی که جیغ‌زنان فرار کرده بود، وارد دفتر رفیق گالریسکی شد.

گالریسکی بدون اینکه سرش را بلند کند پرسید: «چی می‌خوانین، رفیق؟»

شبح غرغری کرد. گالریسکی نگاه کرد و مبهوت شد.

فریاد زد: «کی؟ چی؟» و صندلی خود را برعکس

در شرکت سهامی «پمپ‌ها» وضعی بحرانی پیش آمده بود. فقط درباره‌ی پاک‌سازی حرف می‌زدند، داستان‌های ترسناکی از تجربه‌ی پاک‌سازی‌های^۱ قبلی تعریف می‌کردند و در کل بیش از حد نگران بودند.

پمپ‌کارها کم‌کم به داستان‌های ترسناک روی آوردند. رفیق بیدتا-استرگوشی، استادکار از بخش پیستون‌ها، ماجرای غم‌انگیزی برای همکارانش تعریف کرد. در جوانی او، یعنی بیدتا-استرگوشی، روح پدربزرگ مرحومش ظاهر شده بود. روح دست‌هایش را از هم باز کرده و برای برادرزاده‌اش مجازات آسمانی خواسته بود.

بیدتا-استرگوشی را دست‌انداختند و او اعتراف کرد این روح، در اصل، نه برای شخص خودش، بلکه برای یکی از آشنایان خیلی خوبش ظاهر شده که کاملاً می‌شود به حرفش اطمینان کرد. با این حال، گفت‌وگو درباره‌ی ارواح خارج‌شده از آن دنیا ادامه پیدا کرد. همه‌ی پمپ‌کارها باخبر از علم روز از کار درآمدند و حتی خود این احتمال را که در عصر واقع‌بینانه‌ی ماتریالیستی ما امکان ظهور شبح وجود داشته باشد، با تحقیر رد کردند.

بیدتا-استرگوشی، که حالا همه داغ ننگ به پیشانی‌اش زده بودند، از داستان‌ش دست‌کشید و دیگر قصد کرده بود به بخش پیستون‌های خودش برود که یک‌دفعه کولتورتریگر، کارمند قدیمی بخش شلنگ‌ها هم به حرف آمد و گفت: «گفتنش آسونه، اما روح چیزیه که دل رو می‌لرزونه.»

همه داد زدند: «خجالت داره رفیق کولتورتریگر! زشت و احمقانه‌س که به این چیزها اعتقاد داشته باشین.»

رفیق گالریسکی گفت: «اگه یه روح دست من بیفته، من با اون ...» و راضی از خود لبخند زد.

«توی دنیا معجزه وجود نداره» - این را لِف

(۱) به عملیات سرکوب سیاسی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ گفته می‌شود که طی آن نگرش اعضای حزب بررسی می‌شد و افراد «نامطلوب» حذف می‌شدند. این جلسه شامل دو مرحله بود: در مرحله اول شخص موردبررسی زندگی‌نامه خود را شرح می‌داد و در مرحله‌ی بعدی، بازرس کمیسیون و یا افراد حاضر از او سوال می‌پرسیدند.



درست. ولی رفیق گالریسکی، چه جور ماتریالیستی می‌تونه باشه اگه از شبیح می‌ترسه؟ این آدم‌ها رو باید طبق معیار دوم انداخت بیرون. حتی طبق معیار اول. رفقا، آخه این چه جور مارکسیستیه؟»

گالریسکی فریاد زد: «داری تهمت می‌زنی.» کولتورتریگر با نیشخند پرسید: «پس کی توی کمد قایم شده بود؟ موهای کی از ترس سفید شد؟ من درمورد همه نوشته‌م.»

پیرمرد دفترچه‌ای درآورد و شروع کرد به خواندن. - رفیق لف روباشکین هم، که با دیدن یک شبیح خودش رو از پنجره پرت کرده بیرون، رفتار زشتی از خودش به‌عنوان یه ماتریالیست نشون داده. تازه یک کارمند شرکتی هم محسوب می‌شه. رفیق اسکامیکین هم همین جور. پاهای من رو از ترس می‌بوسید. من همه چیز رو نوشتم.

کولتورتریگر آستین رئیس کمیسیون را گرفت و درحالی که آب دهانش بیرون پاشیده می‌شد شروع کرد به افشاگری درباره‌ی اعتقادات پمپ‌کارها به ماوراءالطبیعه و خرافات.

کرد و به دیوار چسبید.

شبیح داس خود را تکان داد، انگار که می‌خواهد زندگی قربانی جوان خود را از ریشه قطع کند. گالریسکی یک دقیقه را هم تلف نکرد. به سمت کمد دفتر فرار کرد، هق‌هق‌کنان به داخل آن خزید و در را پشت سرش قفل کرد. روح باپرووی به در کمد می‌زد و بعد از آن، از داخل کمد فریادی هیستریک به گوش رسید.

شبیح با نگرانی گفت: «اینم از ماتریالیستشون!» و به اتاق بعدی رفت که در آن بیدتا-استرگوشی از همه‌جا بی‌خبر نشسته بود.

استرگوشی در دم، مثل پین بولینگ که توپ به آن خورده باشد، به زمین افتاد و سرش با صدایی بلند به زمین خورد. شبیح با تحقیر، لگدی به پایش زد و درحالی که به آرامی می‌خندید، وارد راهرو شد.

در بخش شلنگ‌ها، لف روباشکین و یان اسکامیکین با دل خوش سرگرم بازی تخته نرد بودند.

شبیح «وو-وو!» آهسته‌ای گفت و درحالی که به داخل بخش هجوم می‌برد زنگ ساعت را هم به صدا درآورد، انگار که با این کار به برادران اطمینان می‌داد که روزهایشان به شماره افتاده.

لف روباشکین زیر لب گفت: «مامان!» و از پنجره بیرون پرید.

یان اسکامیکین هیچ‌چیزی نگفت. او درحالی که مثل سگ دندان‌هایش را به هم می‌زد به زیر میز لغزید. کارهای بعدی شبیح نتایج عجیبی داشت.

از شصت پمپ‌کار:

۳۶ نفر وحشت‌زده شدند.

هشت نفر بیهوش شدند.

نه نفر دچار تیک عصبی شدند.

برای بقیه به قیمت ترسی مختصر تمام شد. موهای گالریسکی کاملاً سفید شد، بیدتا-استرگوشی گواهی پزشکی گرفت، پای روباشکین حین سقوط از طبقه‌ی دوم از جا دررفت و اسکامیکین عقل از کف داد و یک هفته‌ی تمام بعد از این ماجرا روی همه‌ی کاغذها امضای خود را سر و ته می‌نوشت.

در جلسه‌ی پاک‌سازی همه ساکت نشسته بودند و به داستان زندگی گالریسکی گوش می‌کردند.

کولتورتریگر پیر از سر جایش گفت: «همه‌ی این‌ها



نویسندگان: ایلیا ایلف، یوگنی تروف

در دو قدمی مرگ

ترجمه‌ی شیرین عینی، دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس

پریسیاگین نگران و شکم گرد و کروی دواچکین نگاه می‌کرد، هشدار می‌داد:

- حواستون باشه که اونجا یه موسسه‌ی معمولی نیست که بتونید سر به سر کسی بذارین و عین خیالتون هم نباشه. توی بیمارستان تیتانوشکین حسابی باید مراعات کنید. خودتون که می‌دونید، بیمارهای اونجا آدم‌های عصبی‌ای هستن، یعنی یه تخت‌ه‌شون گمه. بینشون زیاد آدم‌های آتیشی هست که خیلی راحت

امروزه تنهایی کارکردن یک جورهایی متداول نیست. خیلی‌ها بالاخره فهمیده‌اند که یک ذهن تنها خوب است، اما خب دوتایش بهتر است. به همین خاطر، وقتی که هیئت تحریریه‌ی نشریه‌ی مهم «عصب‌پیشگان» با سه دهه سابقه، به یک گزارش ادبی درباره‌ی بیمارستان بیماران روانی نیاز پیدا کرد، نه یکی، بلکه از همان اول، دو خبرنگار به آنجا فرستاد: پریسیاگین و دواچکین. دبیر نشریه‌ی «عصب‌پیشگان» که به‌نوبت به

جوش میارن. باهاشون کل کل نکنید تا همه چی به خوبی و خوشی تموم بشه.

بعد از توافق با دبیر در مورد حد و حدود این گزارش ادبی، دواچکین و پریسیاگین فوراً برای انجام ماموریتشان به راه افتادند.

در یکی از میدان‌های حومه‌ی شهر، که مثل بشقاب گرد بود، زوج گزارش‌نویس از پلیسی نشانی ادامه‌ی مسیرشان را پرسیدند.

پلیس گفت: «مستقیم، بعد سمت چپ، توی کوچه. فقط دوتا ساختمان بزرگ خاکستری اونجا هست. یکیشون تیمارستانه، اون یکی اداره‌ی «سیلستان». اونجا بپرسید.»

وقتی داشتند به دروازه‌ی خاکستری نزدیک می‌شدند، پریسیاگین اقرار کرد: «من خیلی می‌ترسم. یهو بهمون حمله نکن؟»

دواچکین عالمانه جواب داد: «حمله نمی‌کنن. فقط به وضع روحیشون گیر نده. من قبلاً توی دیوونه‌خونه بوده‌م. چیز ترسناکی وجود نداره، مخصوصاً الان که مقررات این بیمارستان‌ها خیلی آسون شده. به دیوونه‌ها این حق رو دادن که هر کاری می‌خوان بکنن. خودم همه‌چی رو برات توضیح می‌دم.»

در این وقت، یک شهروند بسیار مضطرب جیغ‌زنان از هشتی‌سنگی ساختمان خاکستری نزدیک‌تر بیرون جهید و با آستین زبر کتش صورت عرق‌کرده‌اش را پاک کرد.

دواچکین پرسید: «ببخشید، اینجا دیوونه‌خونه‌س؟»

شهروند فریاد زد: «چی؟ اینجا رو می‌گید؟ آره، معلومه که دیوونه‌خونه‌س.» و درحالی که کیفش را تکان می‌داد و برای خودش چیزی زیر لب می‌گفت، به سرعت

از آنجا دور شد.

خبرنگاران، با سرفه‌های غیرارادی به روی تخته‌های سیمانی سالن ورودی قدم گذاشتند. دربان با کلاهی احمقانه با نواری طلایی داشت موقرانه به خانمی سینی‌به‌دست، که ظاهراً پرستار بود، چیزی می‌گفت:

- مگه این تندیش چیز جدیدیه؟ چون امروز از ساعت نه شروع کرده به داد و هوار کردن، هیچ‌جوره نمی‌شه باهاش تا کرد. یک کلمه: روانیه. پاتریکی‌یف دیگه باهاش این جور و اون جوریه و آخرش هیچی. بچسب به مال خودت. می‌گه "همه رو می‌اندازم بیرون. باید ببینم رئیس اینجا منم یا نه!"

پرستار با ناراحتی گفت: «براش چایی بردم، نمی‌خوره. همش داره می‌نویسه. خط‌خطی‌هاشو پاره‌پوره می‌کنه.»

دواچکین با تجربه در گوش پریسیاگین گفت: «احتمالاً یه مورد خطرناکه.»

پریسیاگین با ترس زیر لب گفت: «بهتر نیست برگردیم؟»

دواچکین با تحقیر به همکار خود نگاه کرد و سپس رو کرد به دربان: «از کی می‌تونیم اجازه‌ی بازدیدِ موسسه رو بگیریم؟»

نگهبان بندطلایی گفت: «کدوم اجازه؟ ورود آزاده.»

وقتی این دو دوست داشتند از پله‌ها بالا می‌رفتند، دواچکین پرحرفی می‌کرد: «همین جوری که می‌بینی، یه روش درمان کاملاً جدید دارن. ظاهر هیچی آدمو یاد دیوونه‌خونه نمی‌اندازه. ورود آزاده. دکترا روپوش نمی‌پوشن. حتی بیمارا هم روپوش نمی‌پوشن. روپوش بیمارو اذیت می‌کنه، باعث افسردگی‌ش می‌شه.»

در همان اتاق اول، چشم گزارش‌نویس‌ها به یک

دیوانه‌ی مسن افتاد. او پشتِ میزی بزرگ نشسته بود و دیوانه‌وار روی چرتکه‌ای با قابِ مسی می‌زد و هم‌زمان کلمات عجیبی با آهنگی کلیسایی زمزمه می‌کرد:

«پیش‌پرداخت پیش ما می‌مونه، می‌مونه، می‌مونه».

پریسیاگین آهسته گفت: «بهتره مزاحم این یکی نشیم. یهو چرتکه رو می‌کوبه توی سرش و اون وقت خر بیار و باقالی بار کن.»

دواچکین جواب داد: «تو یه ترسویی واسیا. اون اصلاً روانی نیست. وگرنه بهش چرتکه نمی‌دادن. فقط اسکیزوفرنیه.» اما، با دیدن ناگهانی یک زیرسیگاری زنجیرشده به دیوار در همین اتاق، رنگ از رویش پرید و از بیمار فاصله گرفت.

کسی چی می‌دونه! شاید همدیگه رو با زیرسیگاری لت‌وپار می‌کنن.

اینجا خیلی آزاده. به‌خاطر همین که زیرسیگاری رو زنجیر کردن.

خبرنگاران، با هل دادن در، خود را به سرعت از اتاق بیمار به راهروی طولانی انداختند. در راهرو، دیوانه‌ها، حین جویدن ساندویچ‌های بزرگ، جفت‌جفت قدم می‌زدند.

پریسیاگین با خیالی راحت گفت: «انگار این‌ها بیمارهای آرومشونن. بیا گوش بدیم چی می‌گن.»

دواچکین کارشناسانه اظهار نظر کرد: «بعید می‌دونم چیز جالبی بگن. یه جور اختلال عصب پنجم یا یه ضعفِ روان مزخرفه.»

اما وقتی «اون همه‌ی رگ‌هامو ازم بیرون کشید» به گوش دواچکین خورد، این گزارش‌نویس ما به خودش آمد و با دقت شروع کردن به گوش دادن.

یکی از بیماران به دیگری گفت: «همه‌ی رگ‌هامو. از من ایراد می‌گیره. می‌خواد من رو سر به نیست کنه. و

دلیلش چیه، معلوم نیست. یه غمی وجودمو گرفته که دلم می‌خواد تا جایی که می‌شه از این دیوونه‌خونه دور بشم. یه جایی توی جنوب، توی ساحل جنوبی ...»

دومی با صدای گرفته‌ای حرفش را قطع کرد: «علیه من توطئه می‌بافن. این اوکراینی لعنتی می‌خواد از شر من خلاص بشه. هر روز صبح می‌شنوم که چه جووری توی راهرو فامیلی من رو تکرار می‌کنن. الکی نیست که ولی می‌بینیم که کی از پس کی برمی‌یاد. عوضی!»

دواچکین آهسته گفت: «دقت کن، هذیون‌های عادی از فشاره.»

پریسیاگین ناله کرد: «وحشتناکه! ببین، این فضا من رو اذیت می‌کنه.»

دواچکین شجاع گفت: «این تازه اولشه!»

«بیا بریم اتاق شماره‌ی ۱۶. انگار اونجا فقط یه دیوونه نشسته، اگه بهمون حمله کنه، می‌تونیم از پشش بریبایم.»

در اتاق بزرگ، زیر پوستر «سوال اضافی نپرسید»، مردی با چشمان کاغذی و بالاپوش آبی بلندی نشسته بود که از جیب‌هایش چند نوع جغجغه با روکشی از نیکل بیرون زده بود.

بیمار با عصبانیت فریاد زد: «با کی کار دارین؟»

دواچکین با ترس شروع کرد: «می‌شه از شما بپرسم ...»

پریسیاگین دست دوستش را چسبید و در گوشش زمزمه کرد: «هیچی نگو. مگه نمی‌بینی که نباید ازش سوال‌های بی‌خود بپرسی؟»

بیمار که آرام‌تر شده بود، گفت: «چرا ساکتید؟ من گازتون نمی‌گیرم.»

دواچکین پیش خودش گفت: «اینش هنوز معلوم نیست. شاید دقیقاً گازمون بگیره.»

نشریه‌ی علمی دانشجویی زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس، شماره‌ی هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

دیوانه شروع کرد به داد زدن: «بالاخره با کی کار دارید؟ آگه با رئیس دفتر کار دارید، خودمم پاتریکی یف. من رئیس دفترم. خب، گوشم با شماست. بفرمایید بشینید، از دیدنتون خوشحالم.»

پرسیاگین که نگاهش به در بود شروع کرد به لرزیدن: «شم-شم-شما!»

دواچکین شروع کرد: «تو رو خدا ناراحت نشید. آره، درسته، شما رئیس دفترید. خواهش می کنم آرام باشید.»

اما بیمار هر لحظه بیشتر و بیشتر عصبی می شد. با صورتی کبود گفت: «شما مزاحم یه آدم گرفتا...»

پرسیاگین داد زد: «بدو بریم.» اما در همان لحظه، از اتاق کناری که روی درش تابلوی شیشه‌ای «م. ف. ایمنینسکی» آویزان بود، فریاد وحشتناکی بلند شد. در باز شد و بیمار جدیدی از اتاق بیرون دوید.

او بر سر بیماری که خود را پاتریکی یف می نامید فریاد می زد: «هزار بار بهتون گفتم ماشین رو به هر کس و ناکسی ندید. من الان باید برم و ماشین نیستش!»

پرسیاگین درحالی که دواچکین را به دنبال خود می کشاند تکرار کرد: «بدو بریم!»

فریادی دیوانه وار به دنبالشان آمد: «من باید برم ویلا و ماشین نیستش!»

بعد از چند پله یکی کردن و رسیدن به سالن ورودی، گزارش نویسان گیج و گنگ روی نیمکت نشستند. پرسیاگین نفس زنان گفت: «اینم از این. منو بکشی هم یک بار دیگه نمیام دیوونه خونه. دو قدم تا مرگ فاصله داشتیم.»

دواچکین شجاع جواب داد: «من اینو می دونستم. اما نمی خواستم بهت بگم، نمی خواستم بترسونمت.» ساعت سالن ورودی چهار ضربه نواخت. بلافاصله از طبقات بالا، بیماران کیف به دست، مانند گله‌ی گاومیش‌ها، حمله کردند و ضمن تنه زدن به یکدیگر به سمت اتاق رخت کن دویدند.

دواچکین و پرسیاگین از ترس خود را به دیوار چسباندند. وقتی که بیماران به بیرون از ساختمان دویدند، دواچکین نفسی تازه کرد و گفت: «رفتن گردش. خیلی خوب ترتیب کارها رو دادن. نظم عالی.»

در خیابان چشم این دو دوست به تابلویی خورد که هیچ کدام موقع ورود به آن توجه نکرده بود:

سیلستان کارگاه دستگاه‌های تولید انرژی

از آنجایی که دیروقت بود و گزارش تیمارستان باید در همان روز نوشته می شد، خبرنگاران صادقانه تمام آنچه را که دیده بودند، در گزارش خود به عنوان «در جهان بیماران روحی» توصیف کردند. گزارش در نشریه‌ی «عصب‌پیشگان» به چاپ رسید و بسیار مورد پسند قرار گرفت.

تیتانوشکین، روان‌پزشک سرشناس، برای هیئت تحریریه‌ی نشریه نوشت: «چقدر جای خوشحالی دارد خواندن گزارشی که در آن، چنین جامع و کامل و صحیح، اخلاق و عادات بیماران روحی توصیف شده باشد.»

۱۹۳۰

ژارگون‌های زبان روسی

پیش‌بینی نشده‌است، گاه برای دانشجویان خارجی مشکل‌ساز می‌شوند. در این بخش با چند نمونه از ژارگون‌های پرکاربرد روسی و معنی و مثال‌های آنها آشنا می‌شوید.

ژارگون‌های جوانان در زبان روسی نیز، مانند زبان‌های دیگر، کاربرد گسترده‌ای در محاورات روزمره دارند، ولی از آنجا که معمولاً در برنامه‌ی درسی دانشگاه‌ها جایی برای آموزش آن‌ها

Бабки (=деньги)



Папа, у тебя **бабки** есть? Хочу купить на твои **бабки** себе новую машину. Через год отдам я тебе твои **бабки**. Сейчас просто тяжёлые времена для меня настали.

Хавать (=кушать)

Анна мороженое любила, просто обожала, могла **хавать** два больших брикета сразу.



Хреново (=плохо)

Мне не нравится в этом клубе — пойдём отсюда, здесь **хреновая** музык, мне здесь **хреново**.



Достать (=надоест)

Он меня **достал** честно одно присутствие в одном помещении действует на нервы!!



«پرسان پرسان» می روند هندوستان»

صفحه ی ۱۹

من قبلاً توی دیوونه خونه بوده‌م.
چیز ترسناکی وجود نداره، مخصوصاً
الان که مقررات این بیمارستان‌ها
خیلی آسون شده. به دیوونه‌ها این
حق رو دادن که هرکاری می‌خوان بکنن.
خودم همه چی رو برات توضیح می‌دم.

در دو قدمی مرگ
ایلیا ایلف، یوگنی پتروف



@farusTMU
@russian_modares



Tarbiatmodares.ru